

پزشکان آگاه که از پشت پرده این برنامه خبر داشتند و همچنین کم‌کاری آگاهانه دولت قبل که قصد همراهی با نظام در برنامه‌هایش برای مردم را نداشت، این طرح تا امسال اجرا نشده بود اما با ضرب الاجل دولت فعلی این برنامه اجرایی شد. البته هنوز هم برخی از پزشکان آگاه در مقابل اجرای این طرح مقاومت می‌کنند تا به سهم خودشان مانع اجرایی شدن برنامه‌های رژیم شوند، همانطور که هنوز هم این پزشکان زیر بار استفاده از کارتخوان نرفته‌اند و می‌گویند ما بلد نیستیم با کارتخوان کار کنیم. در واقع این پزشکان قصد دارند با بیسواد نشان دادن خود، عدم اجرای نسخه‌پیچی الکترونیک را هم طبیعی جلوه دهند و گرنه الان گداها هم کارتخوان دارند.

اما پشت پرده ماجرا چیست و جمهوری اسلامی از الکترونیک کردن نسخه‌های پزشکی و پرونده الکترونیک سلامت چه هدفی دارد؟

آنچه که بعنوان هدف این طرح ذکر شده، حذف نسخه‌های کاغذی و مشکلات نسخه‌خوانی، تجمیع اطلاعات سلامت و برخی موارد دیگر است اما فهمیدن اصل ماجرا کار سختی نیست؛ بعد از اجرا شدن این طرح، در لحظه تولد هر ایرانی یک پرونده الکترونیک برای او تشکیل و همه اطلاعات مربوط به وضعیت بیولوژیکی او در آن ثبت می‌شود و پس از آن نیز در حالی که آن فرد در حال گذران زندگی معمولی خود است، هر دارویی که مصرف کند یا هر آزمایشی انجام دهد، اطلاعات او در این پرونده ثبت خواهد شد.

با جمع‌آوری این اطلاعات و تحلیل آن‌ها، جمهوری اسلامی خواهد توانست به کمک اطلاعات به دست آمده، مواد غذایی را دستکاری کند و به وسیله آن‌ها روی مردم تأثیر بگذارد؛ همچنین از این طریق نظام می‌تواند با بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده در مورد مخالفان، بیولوژیک آن‌ها را ترور کند بزند.

۳- حذف پرسپولیس و استقلال از آسیا، حرفه‌ای نبودن باشگاه‌ها یا معامله سیاسی

بر اساس آنچه امسال در اخبار شنیدیم، باشگاه پرسپولیس و استقلال به دلیل اینکه نتوانستند مجوزهای حرفه‌ای را دریافت کنند از لیگ قهرمانان آسیا کنار گذاشته شدند اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاد یک معامله سیاسی برای هموار کردن راه قهرمانی برخی تیم‌ها بود.

کشورهای ایران، ژاپن، کره جنوبی، امارات و عربستان وارد یک معامله پنهانی و پشت پرده شدند، معامله‌ای که برای شکل‌گیری آن نیاز به رپورتاژ یک خبر داشت: «سخت‌گیری‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا در اعطای

مجوز حرفه‌ای به تیم‌ها بیشتر شده است و تیم‌هایی که نتوانند مجوز حرفه‌ای کسب کنند، از لیگ قهرمانان کنار گذاشته خواهند شد.» اما منبع اولیه این خبر نه خود AFC که رسانه‌های وابسته به دولت‌های این پنج کشور بودند تا شرایط را برای انجام معامله آماده کنند.

در این معامله سیاسی، این کشورها تصمیم گرفتند با زمینه‌سازی برای مجوز حرفه‌ای نگرفتن برخی تیم‌های کشورشان، شرایط را برای قهرمانی کشورهای دیگر حاضر در معامله، تسهیل کنند و در عوض آن از طرف‌های مقابل امتیاز سیاسی دریافت کنند؛ در این میان ایران که امتیاز سیاسی بیشتر از ورزش برایش اهمیت داشت، پیشنهاد حذف پرسپولیس به عنوان یکی از شانس‌های قهرمانی چند سال اخیر لیگ قهرمانان آسیا را مطرح کرد. البته چون دولت ایران می‌دانست حذف پرسپولیس بدون حذف استقلال برایش موجب دردسر خواهد شد، سعی کرد به خاطر حذف استقلال هم از طرف‌های مقابل امتیاز بگیرد و کشورهای دیگر نیز که دیدند یکجیج پرسپولیس و استقلال با هم است و ایران به هیچ وجه کوتاه نمی‌آید که فقط پرسپولیس حذف شود، این یکجیج را با هم قبول کردند. البته آنها اصرار داشتند حالا که دو تا می‌بریم، تخفیف بدهید که ایران زیر بار نرفت و گفت من برای خانواده خودم هم همینجوری جفت جفت بردم و آنها راضی‌اند.

۴- صعود به جام جهانی با چاشنی لابی منطقه‌ای

ایران در مرحله اول مقدماتی جام جهانی در جایگاه سوم گروه خود بود و روی کاغذ هم شانس کمتری برای صعود به مرحله بعد داشت، در این میان فسخ قرارداد مربی و شکایت او از ایران هم بر مشکلات تیم ملی افزوده بود اما ایران با یک مربی نه چندان مطرح با پیروزی در همه بازی‌های باقی‌مانده، از مرحله اول به عنوان سرگروه صعود کرد و در مرحله دوم نیز بدون شکست در سریع زمان ممکن به جام جهانی رسید.

در این مدت ایران در مقابل تیم‌هایی چند باره پیروز شد که در چندین سال اخیر، در مقابل آن‌ها به مشکل خورده بود اما اکثر آنها یک ویژگی مشترک دارند، این کشورها عضو محور مقاومت هستند.

در دولت قبل که توجه کمتری به محور مقاومت می‌شد این کشورها هم بازیکنان خود را مجبور می‌کردند تا با تمام توانشان جلوی ایران بازی کنند اما با نزدیک شدن به تغییر دولت در ایران و پیش‌بینی روی کار آمدن دولتی که به محور مقاومت توجه بیشتری خواهد کرد، این کشورها به بازیکنان خود توصیه کردند برای جلب توجه ایران، در مقابل تیم ایران با تساهل رفتار کنند و اینگونه شد که ایران توانست با یک سرمربی نه چندان

مطرح، تمام بازی‌های خود در مقابل این تیم‌ها را پیروز شود. درباره پیروزی ایران مقابل امارات هم نکاتی وجود دارد که در حال حاضر مجال توضیح آن‌ها نیست و اگر خیلی اصرار کنید که توضیح بدهم اصلاً زرن!

۵- آزادسازی سواحل یا فروش سواحل به روسیه

بعد از برگشت رئیس‌جمهور از سفر به روسیه، شاهد یک ضرب‌الاجل از سوی وی برای آزادسازی سواحل تصرف شده توسط اشخاص و نهادها بودیم که تقریباً تا زمان اعلام شده، این اتفاق صورت گرفت و تقریباً همه سواحل دریای خزر از تصرف اشخاص و نهادها آزاد شد اما ارتباط این داستان با سفر رئیس‌جمهور به روسیه چیست؟

فروش دریای خزر به روسیه تا آنجا پیش رفته است که اگر جدیداً به شمال کشور بروید و سوار قایق‌های تفریحی کنار ساحل شوید و از آنها بخواهید شما را در دریا بچرخانند، به محض فاصله گرفتن از ساحل با تذکر گشت‌های دریایی ارتش روسیه مواجه خواهید شد و حتی ممکن است با تک‌تیرانداز شما را بزنند. اما زیاده‌خواهی روسیه به همین جا ختم نشده است؛ در سفر اخیر رئیس‌جمهور به روسیه، روس‌ها بعد از تملک کل دریای خزر، خواهان سواحل ایران شدند، چیزی که ابتدا مورد موافقت طرف ایرانی قرار نگرفت اما بعد از نهار به کیباره موضع طرف ایرانی تغییر کرد و به محض برگشت از روسیه دستور آزادسازی این سواحل هم صادر شد.

۶- انتقال دولت، پایانی بر یک دروغ رسانه‌ای

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ جمهوری اسلامی ایران، حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد اما نظام جمهوری اسلامی ترجیح داد به جای گفتن واقعیت به مردم، در حالی که اداره دولت را به رئیسی سپرده بود، در رسانه‌ها حسن روحانی را رئیس‌جمهور کشور معرفی کرد؛ در این چهار سال هر چند تمام اتفاقاتی که روحانی در مورد دولت رئیسی هشدار داده بود اتفاق افتاد و خود روحانی و کابینه‌اش نیز با اظهار بی‌اطلاعی از تصمیمات دولت در این چند سال، سعی داشتند مردم را از این دروغ رسانه‌ای مطلع کنند اما کسی متوجه حرف‌های آن‌ها نشد.

در نهایت، در انتخابات امسال، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت به این دروغ رسانه‌ای پایان دهد و بعد از اعلام انتخاب شدن سید ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری، ظاهراً دولت به او منتقل شد اما در حقیقت مردم دولت در دست خود او بود، فقط مردم از این امر با خبر شدند.